

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تعارض ادله اثبات دعوا [در امور حقوقی]

مؤلف:

دکتر رحمان عمروانی

انتشارات چتر دانش

سرشناسه	: عمروانی، رحمان، ۱۳۶۲ -
عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	: تعارض ادله اثبات دعوا(در امور حقوقی)/مولف رحمان عمروانی.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۲۲۱ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۲۰۹-۴
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: ادله اثبات دعوی -- ایران
موضوع	: Evidence, Demonstrative-- Iran
موضوع	: ادله اثبات دعوی
موضوع	: Evidence, Demonstrative
موضوع	: تعارض ادله
موضوع	: Opposition of proofs*
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ت ۷ع ۸/ ۱۷۸۰ KMH
رده بندی دیویی	: ۳۴۷/۵۵۰۶۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۰۳۱۵۳۲

نام کتاب	: تعارض ادله اثبات دعوا (در امور حقوقی)
ناشر	: چتر دانش
مولف	: دکتر رحمان عمروانی
نوبت و سال چاپ	: دوم - ۱۴۰۱
شمارگان	: ۵۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۲۰۹-۴
قیمت	: ۸۵۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید(اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرترفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی به‌منصه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

تقدیم به:

پدر و مادر عزیزم

که هر چه هستم و هر چه دارم از زحمات و دعای خیر آنهاست
انشاءالله که قادر به جبران ذره‌ای از محبت بی‌کرانشان باشم؛

و

همسر عزیزم

که در تمام مراحل نگارش این کتاب همواره با صبر و شکیبایی مرا یاری نمودند؛

و

آرش عزیز، فرزندم.

تقدیر و سپاسگذاری

ابتدا حمد و سپاس بی‌منتها بر خداوند متعال، خالق سرمایه تفکر و اندیشه و عقل، که با ارزانی آنها بر انسان، وی را بر سایر موجودات شرافت بخشید.

به واسطه همین گوهر گرانبهای تفکر و علم و دانش است که منزلت معلمان و اساتید در راستای آموزش جلوه‌گر می‌شود. لذا بر خود لازم می‌دانم از کلیه اساتید خود در طی تحصیل، از دبستان تا تحصیلات عالی، بویژه اساتید محترم و ارجمند، زنده یاد دکتر امیر ناصر کاتوزیان پدر علم حقوق ایران و همچنین استاد بزرگوار جناب آقای دکتر عبدالله شمس کمال تشکر و تقدیر را داشته باشم.

علائم اختصاری

قانون آیین دادرسی مدنی	ق.آ.د.م
قانون آیین دادرسی کیفری	ق.آ.د.ک
قانون تجارت	ق.ت
قانون ثبت اسناد و املاک	ق.ث
قانون صدور چک	ق.چ
قانون روابط موجر و مستأجر	ق.ر.م.م
قانون قدیم آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸	ق.ق.آ.د.م
قانون مجازات اسلامی	ق.م.ا
قانون مدنی	ق.م
قانون مدنی فرانسه	ق.م.ف
جلد	ج
رجوع کنید به	ر.ک
شماره	ش
صفحه	ص

پیشگفتار

قانونگذار هر کشور صرف‌نظر از حقوق طبیعی که برای هر شخص وجود دارد، حقوق متعددی را برای اشخاص به رسمیت شناخته است. یک جنبه از علم حقوق مطالعه حقوق و تکالیف افراد نسبت به یکدیگر است. اما جنبه دیگر از علم حقوق که باید آن را مهم‌تر از جنبه اول دانست، توانایی اثبات این حقوق و آشنایی با قواعد اثبات می‌باشد. چه بسا حقهایی که در مرحله ثبوت وجود دارند، لیکن به واسطه عدم توانایی مدعی در اثبات آنها، توسط دادگاه‌ها به رسمیت شناخته نمی‌شوند. لذا بر هر حقوقدانی لازم است که بر مباحث ادله اثبات دعوا احاطه داشته و به موضوعاتی همچون نحوه جمع‌آوری دلیل، قدرت اثباتی دلیل، ارزش اثباتی دلیل، تشریفات ارائه دلیل و مباحث تعارض ادله اثبات دعوا تسلط داشته باشد.

در زمان تحصیل اینجانب در دوره کارشناسی همواره در کتاب‌ها می‌خواندم که دلیل بر اماره و اصل مقدم می‌باشد و اماره نیز بر اصل مقدم است. لیکن در هیچ کتابی تعارض میان ادله اثبات دعوا در معنای خاص از جمله تعارض میان کارشناسی و شهادت شهود و یا تعارض میان سند رسمی و سند عادی بررسی نشده بود. لذا از همان زمان فکر انجام تحقیقی جامع در خصوص تعارض ادله اثبات دعوا را در سر داشتم تا اینکه پس از پنج سال تحقیق، نتایج تحقیقات خود را در قالب این کتاب به جامعه حقوقی کشور تقدیم می‌نمایم. خواهشمند است اینجانب را از انتقادات، نظرات و پیشنهادات خود بی‌بهره نگذارید.

دکتر رحمان عمروانی

دکترای حقوق خصوصی از دانشگاه شهید بهشتی

فهرست

۱۶مقدمه
۱۹بخش اول: کلیات
۱۹فصل اول: کلیات ادله اثبات دعوا
۱۹مبحث اول: تعاریف
۱۹گفتار اول: تعریف ادله، اثبات و دعوا
۱۹بند اول: ادله
۲۰بند دوم: اثبات
۲۰بند سوم: دعوا
۲۱گفتار دوم: تعریف ادله اثبات دعوا
۲۱مبحث دوم: اقسام دلیل
۲۱گفتار اول: اقسام دلیل در حقوق ایران
۲۱بند اول: تقسیم بر مبنای منشاء
۲۲بند دوم: تقسیم بر مبنای قدرت اثباتی
۲۳بند سوم: تقسیم بر مبنای سابقه ادله
۲۳بند چهارم: تقسیم بر مبنای حصری یا غیر حصری بودن ادله
۲۵بند پنجم: تقسیم بر مبنای ماهیت
۲۵بند ششم: تقسیم بر مبنای نیاز یا عدم نیاز به استنتاج
۲۷بند هفتم: سایر تقسیمات
۲۷گفتار دوم: اقسام دلیل در حقوق انگلیس و مصر
۲۷بند اول: تقسیمات ادله در حقوق انگلیس
۲۷بند دوم: تقسیمات ادله در حقوق مصر
۲۸مبحث سوم: ادله اثبات دعوا و ادله اثبات احکام
۲۹مبحث چهارم: حصر یا عدم حصر ادله اثبات دعوا
۲۹گفتار اول: نظر فقها
۲۹گفتار دوم: نظر حقوقدانان
۳۰گفتار سوم: بررسی قابلیت استناد به علم قاضی
۳۳فصل دوم: کلیات تعارض ادله
۳۳مبحث اول: تعاریف
۳۳گفتار اول: تعارض، ترتیب، تراجم

۳۳	بند اول: تعارض
۳۴	بند دوم: ترتیب
۳۴	بند سوم: تراحم
۳۵	گفتار دوم: ارزش اثباتی، قدرت اثباتی
۳۵	بند اول: ارزش اثباتی
۳۵	بند دوم: قدرت اثباتی
۳۶	گفتار سوم: دلایل قانونی و دلایل اقماعی
۳۶	بند اول: دلایل قانونی
۳۷	بند دوم: دلایل اقماعی
۳۸	گفتار چهارم: ترتیب و تعارض ادله اثبات دعوا
۳۸	بند اول: ترتیب ادله اثبات دعوا
۳۹	بند دوم: تعارض ادله اثبات دعوا
۴۰	مبحث دوم: شرایط تحقق تعارض
۴۰	گفتار اول: وجود حداقل دو دلیل
۴۱	گفتار دوم: تنافی و تکذیب یکدیگر
۴۱	گفتار سوم: وحدت موضوع
۴۳	گفتار چهارم: حجیت ادله (قدرت اثباتی)
۴۴	مبحث سوم: اقسام تعارض
۴۴	گفتار اول: تعارض مستقر و غیر مستقر
۴۶	گفتار دوم: تعارض بسیط و مرکب
۴۷	مبحث چهارم: فرضیات قابل ارائه و راه حل مورد اختیار
۴۷	گفتار اول: فرضیات و راه حل های قابل ارائه
۴۷	بند اول: راه حل های مشترک با تعارض ادله اثبات احکام
۴۷	۱- تخییر
۴۸	۲- تساقط
۴۹	بند دوم: راه حل های ویژه تعارض ادله اثبات دعوا
۴۹	۱- تقدم دلیل مدعی
۵۰	۲- تقدم براساس ماهیت
۵۰	۳- ترتیب قانونی

۵۱	۴- حکم قانونی
۵۲	۵- اقناع قاضی
۵۳	۶- تعدد ادله
۵۳	گفتار دوم: راه حل منتخب (راه حل مختلط)
۵۹	بخش دوم: ادله قانونی
۶۰	فصل اول: اقرار
۶۰	مبحث اول: معرفی، ماهیت و ارزش اثباتی اقرار
۶۰	گفتار اول: معرفی اقرار
۶۰	بند اول: تعریف اقرار
۶۱	بند دوم: شرایط اقرار
۶۱	بند سوم: اقسام اقرار
۶۲	گفتار دوم: ماهیت اقرار
۶۲	بند اول: ماهیت اقرار در دادگاه
۶۴	بند دوم: ماهیت اقرار خارج از دادگاه
۶۴	۱- ماهیت اقرار شفاهی خارج از دادگاه
۶۵	۲- ماهیت اقرار کتبی خارج از دادگاه
۶۶	گفتار سوم: ارزش اثباتی عام اقرار
۶۶	بند اول: قدرت اثباتی اقرار
۶۷	بند دوم: ارزش اثباتی اقرار ساده، مقید و مرکب
۶۷	۱- ارزش اثباتی اقرار ساده
۶۸	۲- ارزش اثباتی اقرار مقید
۶۹	۳- ارزش اثباتی اقرار مرکب
۷۰	بند سوم: ارزش اثباتی اقرار در دادگاه (قضایی) و اقرار خارج از دادگاه (غیر قضایی)
۷۲	بند چهارم: ارزش اثباتی اقرار در امور کیفری
۷۳	مبحث دوم: تعارض اقرار با سایر ادله
۷۳	گفتار اول: اصل عدم امکان تعارض اقرار با سایر ادله در امور حقوقی
۷۴	بند اول: بررسی تعارض اقرار با ادله مقرر
۷۵	بند دوم: بررسی تعارض اقرار با ادله مقررله
۷۶	بند سوم: بررسی تعارض اقرار با ادله شخص ثالث

گفتار دوم: استثنائات عدم امکان تعارض اقرار.....	۷۸
بند اول: تعارض دو یا چند اقرار با یکدیگر.....	۷۸
۱- تعارض اقرار خواهان با اقرار خوانده	۷۸
۲- تعارض اقرارهای دو یا چند خوانده	۷۹
بند دوم: تعارض اقرار و امارات	۸۰
۱- تعارض اقرار با اماره قضایی	۸۰
۲- تعارض اقرار با اماره قانونی	۸۱
فصل دوم: اسناد.....	۸۳
مبحث اول: معرفی سند و ارزش اثباتی اسناد.....	۸۳
گفتار اول: معرفی سند.....	۸۳
بند اول: تعریف سند.....	۸۳
بند دوم: اقسام سند	۸۴
بند سوم: تفاوت سند رسمی با سند عادی	۸۴
گفتار دوم: ارزش اثباتی اسناد.....	۸۵
بند اول: قدرت اثباتی اسناد، موارد ضرورت تنظیم سند رسمی و ضمانت اجرای آن.....	۸۶
۱- قدرت اثباتی اسناد.....	۸۶
۲- موارد ضرورت تنظیم سند رسمی	۸۶
۳- ضمانت اجرای عدم تنظیم سند رسمی	۸۸
بند دوم: ارزش اسناد در اقناع قاضی.....	۹۰
بند سوم: اعتبار اسناد.....	۹۱
بند چهارم: حدود اعتبار اسناد.....	۹۳
۱- نسبت به امضا کننده و قائم مقام آنها	۹۳
۲- نسبت به اشخاص ثالث	۹۴
بند پنجم: اعتبار تاریخ اسناد.....	۹۴
مبحث دوم: تعارض اسناد با سایر ادله	۹۶
گفتار اول: تعارض اسناد با شهادت (گواهی).....	۹۶
گفتار دوم: بررسی تعارض اسناد با کارشناسی.....	۹۸
گفتار سوم: تعارض اسناد با اماره قانونی	۱۰۲
گفتار چهارم: تعارض اسناد با اسناد	۱۰۲

- بند اول: تعارض سند رسمی با سند رسمی..... ۱۰۳
- بند دوم: تعارض سند رسمی با سند عادی..... ۱۰۵
- بند سوم: تعارض سند عادی با سند عادی..... ۱۰۸
- فصل سوم: اماره قانونی..... ۱۰۸
- مبحث اول: معرفی، ماهیت و ارزش اثباتی اماره قانونی..... ۱۰۹
- گفتار اول: معرفی اماره قانونی..... ۱۰۹
- بند اول: تعریف اماره..... ۱۰۹
- بند دوم: اقسام اماره..... ۱۰۹
- بند سوم: مصادیق اماره قانونی..... ۱۱۰
- گفتار دوم: ماهیت اماره قانونی..... ۱۱۰
- گفتار سوم: قدرت اثباتی اماره قانونی..... ۱۱۲
- گفتار چهارم: ارزش اثباتی اماره قانونی..... ۱۱۲
- مبحث دوم: تعارض اماره قانونی با سایر ادله..... ۱۱۳
- گفتار اول: تعارض اماره قانونی با شهادت..... ۱۱۳
- گفتار دوم: تعارض اماره قانونی با معاینه محل..... ۱۱۵
- گفتار سوم: تعارض اماره قانونی با تحقیق محلی..... ۱۱۶
- گفتار چهارم: تعارض اماره قانونی با اماره قانونی..... ۱۱۶
- فصل چهارم: سوگند (قسم)..... ۱۱۷
- مبحث اول: سوگند بتی یا قاطع دعوا..... ۱۱۸
- گفتار اول: ارزش اثباتی سوگند بتی..... ۱۱۹
- بند اول: امور قابل اثبات با سوگند بتی..... ۱۱۹
- بند دوم: میزان تأثیر سوگند بتی در اقتناع قاضی..... ۱۲۳
- گفتار دوم: بررسی تعارض سوگند بتی با سایر ادله..... ۱۲۴
- مبحث دوم: سوگند تکمیلی..... ۱۲۷
- گفتار اول: ماهیت و ارزش اثباتی سوگند تکمیلی..... ۱۲۷
- بند اول: ماهیت سوگند تکمیلی (شهادت بعلاوه سوگند)..... ۱۲۷
- بند دوم: قدرت اثباتی سوگند تکمیلی (شهادت بعلاوه سوگند)..... ۱۲۸
- بند سوم: ارزش اثباتی سوگند تکمیلی (شهادت بعلاوه سوگند)..... ۱۲۹
- گفتار دوم: تعارض سوگند تکمیلی با سایر ادله..... ۱۳۰

۱۳۰	مبحث سوم: سوگند استظهاری.....
۱۳۱	گفتار اول: ارزش اثباتی سوگند استظهاری
۱۳۲	گفتار دوم: تعارض سوگند استظهاری با سایر ادله.....
۱۳۴	بخش سوم: ادله اقناعی.....
۱۳۶	فصل اول: شهادت (گواهی).....
۱۳۷	مبحث اول: معرفی و ارزش اثباتی شهادت
۱۳۷	گفتار اول: معرفی شهادت
۱۳۷	بند اول: تعریف شهادت.....
۱۳۷	بند دوم: تعریف بینه
۱۳۷	بند سوم: انواع شهادت.....
۱۳۸	بند چهارم: شرایط اعتبار شهادت.....
۱۳۹	گفتار دوم: ارزش اثباتی شهادت
۱۳۹	بند اول: ارزش اثباتی عام شهادت مستقیم.....
۱۳۹	۱- امور قابل اثبات با شهادت مستقیم.....
۱۴۲	۲- میزان تاثیر شهادت مستقیم در اقناع قاضی
۱۴۵	بند دوم: ارزش اثباتی شهادت بر شهادت (شهادت غیر مستقیم).....
۱۴۵	۱- دعوی قابل اثبات با شهادت بر شهادت (قدرت اثباتی).....
۱۴۵	۲- میزان تاثیر شهادت بر شهادت در اقناع قاضی (ارزش اثباتی)
۱۴۶	بند سوم: ارزش اثباتی شهادت بعلاوه سوگند
۱۴۶	۱- امور قابل اثبات با شهادت بعلاوه سوگند.....
۱۴۶	۲- میزان تاثیر شهادت بعلاوه سوگند در اقناع قاضی
۱۴۷	مبحث دوم: تعارض شهادت با سایر ادله
۱۴۷	گفتار اول: تعارض شهادت با کارشناسی
۱۵۰	گفتار دوم: تعارض شهادت با تحقیق محلی
۱۵۲	گفتار سوم: تعارض شهادت شهود با اماره قضایی
۱۵۴	گفتار چهارم: تعارض شهادت با شهادت
۱۵۴	بند اول: تعارض شهادت مستقیم با شهادت غیرمستقیم.....
۱۵۵	بند سوم: تعارض شهادت غیرمستقیم با شهادت بعلاوه سوگند.....
۱۵۵	بند چهارم: تعارض انواع شهادت با شهادتی از همان نوع

فصل دوم: کارشناسی	۱۵۷
مبحث اول: معرفی، ماهیت و ارزش اثباتی کارشناسی	۱۵۸
گفتار اول: معرفی کارشناسی	۱۵۸
بند اول: تعریف کارشناسی	۱۵۸
بند دوم: شاخه‌های کارشناسی	۱۵۸
گفتار دوم: ماهیت کارشناسی	۱۵۹
گفتار سوم: امور قابل اثبات با کارشناسی	۱۶۳
گفتار چهارم: میزان تاثیر کارشناسی در اقناع قاضی	۱۶۵
مبحث دوم: تعارض کارشناسی با سایر ادله اثبات دعوا	۱۶۶
گفتار اول: تعارض کارشناسی با اماره قانونی	۱۶۸
گفتار دوم: بررسی تعارض کارشناسی با اماره قضایی	۱۷۰
گفتار سوم: بررسی تعارض کارشناسی با تحقیق محلی	۱۷۰
گفتار چهارم: تعارض کارشناسی با کارشناسی	۱۷۱
فصل سوم: معاینه محل	۱۷۳
مبحث اول: ارزش اثباتی عام معاینه محل	۱۷۳
گفتار اول: امور قابل اثبات با معاینه محل	۱۷۳
گفتار دوم: ماهیت معاینه محل	۱۷۵
گفتار سوم: میزان تاثیر معاینه محل در اقناع قاضی	۱۷۷
مبحث دوم: تعارض معاینه محل با سایر ادله	۱۷۷
گفتار اول: تعارض معاینه محل با اسناد	۱۷۸
گفتار دوم: تعارض معاینه محل با شهادت	۱۷۹
گفتار سوم: تعارض معاینه محل با کارشناسی	۱۸۰
گفتار چهارم: تعارض معاینه محل با معاینه محل	۱۸۱
فصل چهارم: تحقیق محلی	۱۸۳
مبحث اول: ماهیت و ارزش اثباتی تحقیق محلی	۱۸۴
گفتار اول: ماهیت تحقیق محلی	۱۸۴
گفتار دوم: امور قابل اثبات از طریق تحقیق محلی	۱۸۶
گفتار سوم: میزان تاثیر تحقیق محلی در اقناع قاضی	۱۸۷
مبحث دوم: تعارض تحقیق محلی با سایر ادله	۱۸۸

۱۸۹	گفتار اول: تعارض تحقیق محلی با اسناد
۱۸۹	گفتار دوم: تعارض تحقیق محلی با معاینه محل
۱۹۱	گفتار سوم: تعارض تحقیق محلی با اماره قضایی
۱۹۲	گفتار چهارم: تعارض تحقیق محلی با تحقیق محلی
۱۹۳	فصل پنجم: اماره قضایی
۱۹۴	مبحث اول: معرفی، ماهیت و ارزش اثباتی اماره قضایی
۱۹۴	گفتار اول: معرفی اماره قضایی
۱۹۴	بند اول: تعریف اماره قضایی
۱۹۴	بند دوم: مصادیق اماره قضایی
۱۹۵	بند سوم: مقایسه اماره قضایی و قانونی
۱۹۶	گفتار دوم: ماهیت و ساختار اماره قضایی
۱۹۸	گفتار سوم: امور قابل اثبات از طریق اماره قضایی
۱۹۹	گفتار چهارم: میزان تاثیر اماره قضایی در اقناع قاضی
۲۰۲	مبحث دوم: تعارض اماره قضایی با سایر ادله
۲۰۳	گفتار اول: تعارض اماره قضایی با اسناد
۲۰۴	گفتار دوم: تعارض اماره قضایی با اماره قانونی
۲۰۴	گفتار سوم: تعارض اماره قضایی با معاینه محل
۲۰۵	گفتار چهارم: تعارض اماره قضایی با اماره قضایی
۲۰۶	نتیجه گیری
۲۱۲	واژه نامه
۲۱۶	منابع و مأخذ
۲۱۶	۱- منابع فارسی
۲۱۶	الف: کتب
۲۱۹	ب: مقالات، پایان نامه ها و جزوات
۲۲۰	۲- منابع عربی
۲۲۱	۳- منابع انگلیسی

مقدمه

۱- در میان مباحث حقوقی، ادله اثبات دعوا از اهمیت بسزایی برخوردار است. چرا که اگر توانایی اثبات حق نباشد، چه بسا مورد احترام قرار نگیرد و دادگاهها هیچ حقی را بدون دلیل نمیتوانند به رسمیت شناسند. «غالباً گویا حقوق وجود ندارند، زیرا آنها ثابت نمیشوند. یک ضربالمثل قدیمی این امر را به خوبی بیان میکند: ثابت نشدن مانند نبودن است»^۱. از این رو ملاحظه می‌شود که وظیفه اصلی دادگاه حقوقی، رسیدگی به دلایل اصحاب دعوا بوده و دلیل در تصمیمات دادگاه نقشی محوری ایفاء می‌نماید. از نظر دادگاه، حق بدون دلیل اثبات وجود نداشته و مورد حمایت نخواهد بود. احتمالاً عبارت معروف «دلیل محکمه پسند» را شنیده‌اید؛ این عبارت بیانگر آن است که عرف عادی مردم نیز بر این امر تا حدی واقف است که هر دلیلی ارزش اثباتی نداشته و برای اثبات ادعا باید از دلایل معتبر و به اصطلاح «محکمه پسند» که دارای ارزش اثباتی کافی هستند استفاده شود.

اهمیت دلیل بر هیچ حقوقدانی پوشیده نبوده و اندیشمندان حقوقی نیز به فراخور زمان خود، مقالات، رسالات و کتب گوناگونی را در خصوص ادله اثبات دعوا به رشته تحریر در آورده‌اند. مع‌هذا در کمتر رساله یا کتابی در خصوص «تعارض و ترتیب و تقدم ادله به معنای خاص»، به گونه‌ای منظم و قاعده‌مند سخن به میان رفته است و به همین جهت با انتخاب موضوع این کتاب به عنوان «تعارض ادله اثبات دعوا در امور حقوقی»، بر آن شدیم تا مسائل پیرامون تعارض و ترتیب و تقدم در میان ادله به معنای خاص را در حد بضاعت خویش مورد بررسی قرار دهیم.

۲- مهمترین سوالی که در این کتاب باید به آن پاسخ داده شود را به عنوان مثال می‌توان چنین مطرح نمود که اگر در یک موضوع واحد، نظر کارشناس به نفع یکی از اصحاب دعوا و معاینه محل به نفع طرف دیگر باشد، در تعارض این دو دلیل کدامیک مقدم خواهد بود. به همین نحو ممکن است هر یک از ادله نُه‌گانه با دلیل دیگر در تعارض باشد که در چنین حالتی باید نحوه ترتیب و تقدم هر یک از ادله، و یا احتمالاً تساقط هر دو دلیل مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین به نظر شما اگر تحقیق محلی به نفع یکی از اصحاب دعوا و اماره قضایی به نفع طرف دیگر باشد، کدام یک مقدم خواهد بود؟ تحقیق محلی یا اماره قضایی؟ در تعارض

1- Carbonnier, Jean, Civil Law, Paris, 26th Edition, 1999, p.174, Quoted from Mr. O. Cachard, Article: Electronic Arbitration, Section Electronic Evidence. p. 38, website www.unctad.org

شهادت و کارشناسی چگونه؟ آیا ممکن است سوگند با ادله دیگر در تعارض قرار گیرد یا خیر و در صورت امکان کدامیک مقدم خواهد بود؟ در تعارض تحقیق محلی با معاینه محل کدامیک مقدم می‌باشد؟ اینها سوالاتی هستند که در صدد پاسخگویی به آنها می‌باشیم. همچنین ممکن است دو یا چند دلیل در تعارض با دلایل دیگر قرار داشته باشد (تعارض مرکب) که این امر مساله پیچیده‌تری را مطرح می‌نماید. لذا ابتدا راه‌حلی را به عنوان فرضیه مطرح و سپس راه‌حل منتخب خود را در خصوص تعارض ادله بیان نموده و در نهایت موارد تعارض ادله اثبات دعوا را بر اساس آن پاسخ خواهیم داد. فرضیات ارائه شده به عنوان راه‌حل در این کتاب عبارتند از: تخییر، تساقط، تقدم بر اساس ماهیت، تقدم دلیل مدعی، ترتیب قانونی، حکم قانونی، اقناع قاضی، تعدد ادله و فرضیه مختلط که به ترتیب در فصل دوم از بخش اول کتاب مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۳- روش تحقیق در این کتاب تحلیلی- توسعه‌ای بوده که با بررسی کتب، مقالات و قوانین موجود سعی در نظم‌بخشی و قاعده‌مند نمودن موضوع تعارض و ترتیب ادله شده است.

۴- از جمله مشکلات و موانع نگارش این کتاب می‌توان از قلت منابع یاد نمود که حتی در همان منابع اندک نیز این موضوع بسیار پراکنده و جزئی مورد اشاره قرار گرفته است. این مشکل حتی با مراجعه به کتب خارجی و منابع اینترنتی نیز مرتفع نگردید. از دیگر مشکلات در راه تالیف این کتاب و یا هر تحقیق دیگر با موضوع ادله اثبات دعوا، عدم دسترسی به ضابطه‌ای عینی برای بررسی و سنجش اقناع وجدان قاضی می‌باشد.

۵- نکته مهمی که در مقدمه باید با دقت فراوان بدان اشاره شود، محدوده و دامنه مطالعاتی این کتاب می‌باشد. شاید در ابتدای امر با نگاهی اجمالی به موضوع کتاب، این امر به نظر رسد که حوزه و دامنه آن بسیار فراگیر و وسیع است، اما این تصور صحیح نبوده و بلکه موضوع «تعارض ادله» بسیار جزئی می‌باشد. در خصوص محدوده مطالب، باید توجه داشت که اولاً تأکید این کتاب بر امور حقوقی می‌باشد. ثانیاً در این کتاب، به بررسی اصول عملیه و تعارض آنها با ادله خاص و امارات و یا تعارض اصول عملیه با یکدیگر پرداخته نخواهد شد و صرفاً تعارض ادله به معنای خاص و امارات، موضوع بحث می‌باشد. ثالثاً از آنجا که موضوع کتاب بررسی تعارض و ترتیب ادله می‌باشد، لذا از بیان مسائل جانبی و غیرمرتبط مانند: شرایط اقرار، شرایط مقرّله، حق الزحمه کارشناس، شرایط شهود، جرح و تعدیل، آیین استماع شهادت شهود، جعل اسناد و بسیاری مسائل غیرمرتبط دیگر خودداری شده است و تنها اشاره‌ای بسیار گذرا بر آنها در حد نیاز خواهیم داشت. بنابراین ملاحظه می‌شود که موضوع

کتاب بسیار جزئی و محدود می‌باشد. با این وجود باید توجه داشت از آنجا که تعیین دلیل مقدم وابسته به شناخت ارزش اثباتی دلایل متعارض می‌باشد، لذا به عنوان مقدمه واجب حل تعارض ادله، «ارزش اثباتی» هر دلیل را نیز باید مورد مطالعه و بررسی قرار داد.

۶- این کتاب دارای سه بخش می‌باشد که در بخش اول به عنوان مقدمه ورود به بحث و آمادگی ذهن خوانندگان، مطالبی را تحت عنوان کلیات در ضمن دو فصل جداگانه با عنوان «کلیات ادله اثبات دعوا» و «کلیات تعارض ادله» مطرح خواهیم نمود. همچنین همانطور که در بخش کلیات بیان خواهیم نمود، به منظور قاعده‌مند نمودن تعارض ادله، دلایل را به دو دسته دلایل قانونی (اقرار، سند، اماره قانونی، سوگند) و دلایل اقناعی (شهادت شهود، کارشناسی، معاینه محل، تحقیق محلی، اماره قضایی) تقسیم نموده و بر همین اساس بخش دوم را به بررسی ادله قانونی (تحمیلی) اختصاص داده و در بخش سوم نیز به بررسی ادله اقناعی (وجدانی) خواهیم پرداخت.

بخش اول: کلیات

۷- همانطور که در مقدمه نیز بیان گردید، هدف اصلی این کتاب بررسی تعارض ادله اثبات دعوا در امور حقوقی می‌باشد که ارزش اثباتی ادله را نیز به عنوان مقدمه واجب این هدف مورد مطالعه قرار خواهیم داد. مسلماً بدون ذکر کلیاتی در باب ادله، منظور مذکور به سر منزل مقصود نخواهد رسید. لذا کلیاتی را در دو مبحث جداگانه ارائه نموده و در مبحث اول به بیان «کلیات ادله اثبات دعوا» و در مبحث دوم به بیان «کلیات تعارض ادله» خواهیم پرداخت.

فصل اول: کلیات ادله اثبات دعوا

مبحث اول: تعاریف

گفتار اول: تعریف ادله، اثبات و دعوا

بند اول: ادله

۸- ادله^۱ جمع دلیل^۲ و دلیل در لغت به معنای راهنما، رهنمون و حجت به کار رفته است.^۳ در قانون مدنی ایران تعریفی از دلیل ارائه نشده است؛ اما قانون آیین دادرسی مدنی در ماده ۱۹۴ بیان میدارد: «دلیل عبارت از امری است که اصحاب دعوا برای اثبات یا دفاع

1- Evidence; Proofs

۲- در حقوق انگلیس و آمریکا دو واژه Evidence و Proofs دارای معنای نزدیک به هم و معادل دلیل هستند. لیکن Evidence دلیلی است حقوقی که برای اثبات و دفاع از دعوا به کار می‌رود و Proofs به معنای عام دلیل است.

Black, Henry, Law Dictionary, New York, West Publishing Co, 4th, 1988. p. 1251

۳- دهخدا، علی اکبر، دوره چهارده جلدی لغت نامه دهخدا، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول از دوره جدید، پاییز ۱۳۷۲، جلد اول، ص ۱۳۳۴

از دعوا به آن استناد مینمایند». این تعریف از آن جهت که ادله رأساً استنادی توسط قاضی را در بر نمیگیرد، قابل انتقاد به نظر میرسد. به هر حال با توجه به تعریف دلیل در ق.آ.د.م، از بیان تعاریف متعدد فقها و حقوقدانان در این خصوص خودداری نموده و صرفاً به این نکته اشاره میشود که با توجه به تعریف مذکور، دلیل در عرف حقوقی معنای مضیقی داشته و امری است که کاربرد آن در دادگاه یا سایر مراجع حل اختلاف و در زمان طرح دعوا یا دفاع میباشد.

بند دوم: اثبات

۹- اثبات در لغت به معنای ثابت گردانیدن و پا بر جای کردن می‌باشد. اثبات به دنبال ثبوت مطرح می‌شود و البته باید این دو را از هم تفکیک نمود. ثبوت در اصطلاح اشاره به وجود هر چیزی در واقع و نفس الامر داشته و تحقق واقعی امر است، در حالیکه علم به چیزی را، مرحله اثبات آن چیز نامند و چون در علم خطا راه دارد، بنابراین ممکن است که مرحله اثبات مطابق مرحله ثبوت (واقع) نباشد.

بند سوم: دعوا

۱۰- دعوا در لغت به معنای ادعا، نزاع، دادخواهی، ادعا کردن و خواستن می‌باشد. در قوانین ایران تعریفی از دعوا ارائه نشده است و حقوقدانان هر کدام بنابر ذوق خود تعریفی از دعوا ارائه نموده‌اند. با ملاحظه مواد قانونی به نظر می‌رسد که قانونگذار دعوا را در سه مفهوم مختلف به کار برده است. مفهوم اول آنکه «دعوا توانایی قانونی مدعی حق تضییع یا انکار شده در مراجعه به مراجع صالح در جهت به قضاوت گذراندن وارد بودن یا نبودن ادعا و ترتیب آثار قانونی مربوطه است. برای طرف مقابل، دعوا، توانایی مقابله با این ادعاست». مفهوم دوم دعوا «منازعه و اختلافی است که در مرجع قضاوتی مطرح گردیده و تحت رسیدگی بوده یا می‌باشد و بدین مفهوم دعوا زمانی متحقق می‌گردد که دعوا در معنای اول (حق اقدام قانونی) به وجود آمده و دارنده آن را اعمال نموده است». مفهوم سوم آنکه «گاهی دعوا به معنای ادعا به کار می‌رود، که البته منظور ادعایی است که در مرجع قضایی مطرح نگردیده و یا ادعایی است که در خلال رسیدگی به دعوا به عنوان امری تبعی مطرح می‌گردد. در ماده ۱۴۲ ق.آ.د.م که بیان می‌دارد: «دعای تهاوتر، صلح، فسخ، رد خواسته و امثال آن که برای دفاع اظهار می‌شود...»، دعوا در همین معنا و مفهوم سوم به کار رفته است». با بررسی این سه مفهوم به روشنی مشخص می‌شود که منظور از «دعوا» در اصطلاح «ادله اثبات دعوا»، معنای دوم و سوم مذکور در فوق می‌باشد.

گفتار دوم: تعریف ادله اثبات دعوا

۱۱- این اصطلاح نیز مانند کلمات «اثبات» و «دعوا» در قانون تعریف نشده است و ماده ۱۲۵۸ ق.م. بدون ارائه تعریفی از ادله اثبات دعوا بیان می‌دارد: «دلایل اثبات دعوا از قرار ذیل است: ۱- اقرار ۲- اسناد کتبی ۳- شهادت ۴- امارات ۵- قسم». حقوقدانان تعاریف متعددی از «ادله اثبات دعوا» ارائه نموده‌اند؛ از جمله آنکه «رهنمای اندیشه به یک مجهول قضایی، در مقام اثبات یا دفاع، دلیل اثبات دعوا است». همچنین گفته‌اند: «ادله اثبات دعوا، عوامل، ابزار، اسباب و اوضاع و احوالی است که قانون آنها را معرفی کرده و تحت شرایط و ضوابطی دادگاه را برای رسیدن به حق و حل و فصل دعوا هدایت می‌نماید». بعضی حقوقدانان نیز ذیل عنوان «تعریف ادله اثبات دعوا»، صرفاً به بیان تعریف «دلیل» مذکور در ماده ۱۹۴ ق.آ.د.م (ماده ۳۵۳ قانون قدیم آیین دادرسی مدنی) اکتفا نموده‌اند. البته این امر چندان هم ناصواب نمی‌باشد؛ چرا که علی‌رغم اعم بودن دلیل از نظر لغوی، در اصطلاح حقوقی منظور از «دلیل» همان «ادله اثبات دعوا» بوده و تعریف مذکور در ماده ۱۹۴ ق.آ.د.م که در مقام تعریف «دلیل» می‌باشد را می‌توان در خصوص تعریف «ادله اثبات دعوا» نیز ارائه نمود.

مبحث دوم: اقسام دلیل

۱۲- دلایل اثبات دعوا بسیار متنوع بوده و لذا حقوقدانان جهت سهولت در مطالعه و قانونمند کردن علمی ادله، آنها را به اقسام متعددی تقسیم نموده تا گامی در جهت نظم بخشیدن به ادله اثبات دعوا برداشته باشند. در ذیل به بیان اهم این تقسیم‌بندی‌ها می‌پردازیم.

گفتار اول: اقسام دلیل در حقوق ایران

بند اول: تقسیم بر مبنای منشاء

۱۳- گروهی از محققین دلیل را از جهت منشاء به چهار دسته تقسیم نموده‌اند.

الف: دلایلی که اصحاب دعوا منشاء آن هستند و عبارتند از: اقرار، سوگند و اسناد.

ب: دلایلی که اشخاص ثالث منشاء آن هستند و عبارتند از: شهادت، تحقیق محلی، کارشناسی.

ج: دلایلی که درک مستقیم دادرسی منشاء آن می‌باشد و عبارتند از: معاینه محلی و اماره قضایی.

د: ادله‌ای که قانون منشاء آن می‌باشد و عبارت است از: امارات قانونی.

به نظر می‌رسد تقسیم بندی مذکور بیشتر جنبه شکلی و فهرست‌بندی داشته و بر اساس مبانی علمی و تجزیه و تحلیل ویژگیها و آثار ادله صورت نگرفته است. لذا تقسیم بندی مذکور

فایده مهمی در تدوین و انسجام علمی دلایل نداشته و در این کتاب نیز مانند بسیاری کتب دیگر از آن پیروی نخواهیم نمود.

بند دوم: تقسیم بر مبنای قدرت اثباتی

۱۴- بعضی اساتید دیگر نیز بر مبنای قدرت اثباتی دلیل، آنها را به سه گروه تقسیم نموده‌اند، اما به نظر می‌رسد با توجه به مبنای مذکور، دلایل را از این حیث باید به دو گروه ذیل تقسیم نمود:

الف: دلیلی که قدرت اثباتی مطلق دارد و می‌تواند همه اعمال حقوقی و وقایع حقوقی، با هر میزان ارزشی را ثابت نماید. در حقوق پاره‌ای از کشورها تنها سند است که چنین اعتباری دارد. در حقوق ایران نیز اسناد و تا حدود زیادی اقرار از قدرت اثباتی مطلق برخوردار می‌باشند. شایان ذکر است با وجود آنکه شهادت و امارات قضایی نیز پس از اصلاح قانون مدنی، قدرت اثباتی فراوانی پیدا نموده‌اند و جز در موارد استثناء توانایی اثبات هر امری را دارند، با این وجود بواسطه محدودیت‌هایی که در اثبات دارند نمی‌توان آنها را در زمره دلایل مطلق دانست. همچنین هر چند موضوعات محدودی در حیطه قدرت اثباتی تحقیق محلی و معاینه محل و کارشناسی قرار می‌گیرد، لکن با این ادله نیز اصولاً هر عمل و واقعه حقوقی که در حیطه موضوع آنها قرار گیرد را می‌توان اثبات نمود. قدرت اثباتی سوگند نیز تنها محدود به دعوی حق‌الناسی بوده و آن هم در مواردی که دلیل دیگری وجود نداشته باشد. همچنین شهادت بر شهادت و شهادت بعلاوه سوگند نیز قدرت اثباتی محدود دارند.

ب: ادله‌ای که قدرت اثباتی آنها محدود است، مانند شهادت که در حقوق فرانسه، ایتالیا، مصر، رومانی و یونان ارزش اثباتی محدودی داشته و در آن کشورها از شهادت معمولاً برای اثبات وقایع حقوقی استفاده می‌شود، اما اعمال حقوقی و علی‌الخصوص قراردادهای چنانچه ارزش آنها از مبلغ معینی تجاوز نماید، قابل اثبات با شهادت نیستند. در حقوق ایران قدرت اثباتی سوگند محدود به دعوی حق‌الناسی (اعم از مالی و غیر مالی) می‌باشد و همچنین شهادت منضم به سوگند نیز تنها توانایی اثبات دعوی مالی را دارا می‌باشد (ماده ۲۷۷ و بند ب ماده ۲۳۰ ق.آ.د.م). البته باید توجه داشت که در حقوق ایران نیز دلایلی همچون شهادت، کارشناسی، اماره قضایی، معاینه محل و تحقیق محلی را نمی‌توان دلیل مطلق به معنای دقیق کلمه دانست و بلکه دلایل مذکور را باید در زمره دلایل دارای توان و قدرت اثباتی محدود دانست که در این خصوص متعاقباً توضیحات بیشتری بیان خواهد گردید.

به هر حال این تقسیم بندی نسبت به تقسیم بندی مذکور در شماره قبل موجه‌تر به نظر

می‌رسد و در این کتاب نیز در مباحث مربوط به امور قابل اثبات با ادله (قدرت اثباتی ادله)، به ما کمک خواهد نمود تا دلایل اثبات دعوا را بر اساس میزان قدرت اثباتی آنها دسته بندی نماییم. با این وجود از آنجا که تقسیم‌بندی مذکور با هدف این کتاب سازگار نمی‌باشد، از فصل‌بندی مطالب کتاب بر اساس آن خودداری نموده‌ایم.

بند سوم: تقسیم بر مبنای سابقه ادله

۱۵- گروهی دیگر با توجه به سابقه ادله، دلایل را به ادله سنتی (فقهی و شرعی) و ادله مدرن (علمی و عرفی) تقسیم نموده و از این جهت اقرار، شهادت، سوگند و اماره قانونی را در دسته اول و اسناد، تحقیق محلی، معاینه محل، کارشناسی و اماره قضایی را در دسته دوم قرار داده‌اند.

بند چهارم: تقسیم بر مبنای حصری یا غیر حصری بودن ادله

۱۶- از لحاظ حصری و غیر حصری بودن ادله اثبات دعوا، ادله را به دو دسته دلایل قانونی و دلایل آزاد (اخلاقی) تقسیم نموده‌اند. البته در این تقسیم‌بندی حقوقدانان بیشتر به تقسیم‌بندی نظام‌های حاکم بر ادله اثبات دعوا پرداخته‌اند و نه خود ادله؛ لیکن از آنجا که این تقسیم‌بندی منبع الهام نامگذاری دلایل به ادله قانونی و ادله افتناعی و استفاده از آن در این کتاب بوده، توضیح آن خالی از لطف نخواهد بود.

الف: دلایل قانونی دلایلی است که در «نظام دلایل قانونی» توسط قانونگذار احصاء و پیش بینی شده است و هر شخص برای اثبات وقایع و اعمال حقوقی تنها می‌تواند از این ادله استفاده نماید. همچنین قدرت اثباتی و ارزش اثباتی دلایل قانونی از قبل توسط قانونگذار تعیین و مشخص شده و قاضی اختیاری در تعیین ارزش آنها ندارد. بنابراین در نظام دلایل قانونی، اولاً ادله قابل استناد برای اثبات امور، به طور انحصاری در قانون احصاء شده است. ثانیاً ارزش هر دلیل نیز مشخص است و قاضی اختیاری در تعیین آن ندارد.

ب: دلایل آزاد یا اخلاقی در «نظام دلایل آزاد» وجود دارند و این ادله در قانون به طور انحصاری احصاء نشده‌اند و بعلاوه ارزش اثباتی این ادله در افتناع وجدان قاضی، در حیطه ارزیابی قاضی و بر حسب قناعت وجدانی است که برای وی ایجاد می‌کنند. به بیانی دیگر، دلایل اخلاقی هر امری است که بتوان برای اثبات امور از آنها استفاده نمود.

۱۷- اکثر حقوقدانان «نظام حاکم بر ادله اثبات دعوا» را به دو نظام قانونی و نظام آزاد دلایل تقسیم نموده‌اند و کمتر حقوقدانی «خود دلیل» را بر این اساس تقسیم بندی نموده است و در همان موارد اندک نیز به میزان دخالت قاضی در ارزیابی این دو نوع دلیل توجه

کمتری شده است و بلکه بیشتر بر این سوال تکیه دارند که آیا قاضی می‌تواند به دلایلی غیر از دلایل مذکور در قانون استناد نماید یا خیر؛ اما جنبه مهمتر این تقسیم‌بندی که همانا میزان دخالتی است که قاضی در هر یک از این دو نظام، در ارزیابی و تعیین ارزش اثباتی ادله دارد، چندان مورد توجه واقع نشده است. لذا با تکیه بیشتر بر این ویژگی، و همچنین با الهام از تقسیم‌بندی دلایل به ادله قانونی و آزاد، در این کتاب دلایل را به دو دسته «دلایل قانونی» و «دلایل اقناعی» تقسیم نموده (ر.ک. شماره ۴۱ و ۴۲) و همین امر را مبنای پلان این کتاب و تقسیم مطالب به دو بخش ادله قانونی و ادله اقناعی قرار داده‌ایم.

۱۸- لازم به توضیح است که دلایل اقناعی را نباید با دلایل آزاد یکی دانست؛ زیرا علی‌رغم وجود شباهت‌هایی بین آنها، لیکن اولاً دلایل آزاد اصلاً در قانون احصاء نشده‌اند، اما ادله اقناعی همانند ادله قانونی در قانون احصاء شده و معین می‌باشند. ثانیاً قدرت اثباتی ادله آزاد در قانون تعیین نگردیده است، در حالی که قدرت اثباتی دلایل اقناعی همانند دلایل قانونی در قانون تعیین گردیده است.

در مقایسه دلایل قانونی، اقناعی و آزاد، مختصر آنکه «دلایل قانونی» ادله‌ای هستند که در قانون احصاء شده و قدرت اثباتی و همچنین ارزش اثباتی آنها و بعلاوه امکان یا عدم امکان اثبات خلاف آنها با سایر دلایل توسط قانونگذار معین شده است. «دلایل اقناعی» نیز ادله‌ای هستند که در قانون احصاء شده و قدرت اثباتی آنها توسط قانونگذار تعیین گردیده است، اما ارزیابی ارزش اثباتی آنها با قاضی می‌باشد و همچنین قانونگذار نسبت به امکان یا عدم امکان اثبات خلاف آنها با سایر ادله اقناعی سکوت اختیار نموده و تشخیص آن را به قاضی واگذار نموده است. «دلایل آزاد» ادله‌ای هستند که در قانون احصاء نشده و در نتیجه قدرت اثباتی و ارزش اثباتی آنها نیز در قانون تعیین نگردیده است و تعیین قدرت اثباتی و ارزش اثباتی آنها نیز با قاضی می‌باشد. از ادله مذکور، دلایل قانونی مربوط به نظام قانونی و دلایل آزاد مربوط به نظام آزاد (اخلاقی) بوده و دلایل اقناعی نیز در جایگاهی بین آن دو را قرار دارند.

۱۹- در همین جا لازم به ذکر است که نظام حقوقی ادله اثبات دعوا در ایران ترکیبی از نظام دلایل قانونی و نظام دلایل آزاد بوده و به عبارتی نظام دلایل اثبات دعوا در حقوق ایران، نظام مختلط می‌باشد که البته ویژگیها و جنبه‌های نظام قانونی در آن غلبه دارد. البته عده‌ای از حقوقدانان قائل بر آنند که نظام حاکم بر ادله اثبات دعوا در حقوق ایران، نظام دلایل قانونی می‌باشد. لیکن اینکه نظام دلایل در حقوق ایران را نظام مختلط بدانیم خالی از وجه نمی‌باشد. زیرا در حقوق ایران ارزش اثباتی بعضی ادله (دلایل اقناعی) توسط قاضی ارزیابی و سنجیده

می‌شود که این امر از ویژگی‌های نظام دلایل آزاد می‌باشد. به عبارتی دیگر علی‌رغم آنکه در حقوق ایران ادله اثبات دعوا در قانون شمارش شده‌اند و این امر از ویژگی‌های نظام دلایل قانونی می‌باشد، لیکن تعیین ارزش اثباتی بعضی ادله (ادله اقتاعی) در حیطه ارزیابی قاضی قرار گرفته که این امر از ویژگی‌های نظام دلایل آزاد می‌باشد. لذا نظام دلایل اثبات دعوا در حقوق ایران را باید نظام مختلط دانست که البته ویژگیها و جنبه‌های نظام قانونی در آن غلبه دارد.

بند پنجم: تقسیم بر مبنای ماهیت

۲۰- بعضی محققین ادله را با توجه به ماهیت آنها، به دلیل به معنای عام و دلیل به معنای خاص تقسیم نموده‌اند. ادله به معنای عام شامل اصول عملیه، امارات و ادله به معنای خاص بوده و از جمله موارد دلیل به معنای خاص می‌توان از اقرار، سند، کارشناسی و شهادت نام برد. در این کتاب به بررسی تعارض و ترتیب و تقدم ادله به معنای خاص خواهیم پرداخت و با اندکی تسامح و به سبب ذکر امارات در کتاب سوم قانون مدنی، امارات را نیز مورد مطالعه قرار می‌دهیم. اما صحبت از ارزش اثباتی اصول عملیه و تعارض آنها با امارات و دلایل به معنای خاص و همچنین تعارض بین اصول عملیه با یکدیگر، از حوصله این کتاب خارج بوده و علاقه‌مندان را به کتابهای اصول فقه ارجاع می‌دهیم.

در اینجا صرفاً به بیان این مطلب که اصول عملیه کمترین ارزش اثباتی را داشته و تنها در صورت فقدان دلیل به معنای خاص و اماره، نوبت به اصل می‌رسد (الاصل دلیل حیث لا دلیل) اکتفا می‌کنیم.

بند ششم: تقسیم بر مبنای نیاز یا عدم نیاز به استنتاج

۲۱- از این نظر حقوقدانان ادله را به دلایل مستقیم و غیرمستقیم تقسیم نموده‌اند. هرگاه دلیل به واسطه دلالت مطابقی با موضوع دعوا، بدون آنکه نیاز به استنتاج عقلی باشد، حق مورد ادعا را بی‌واسطه اثبات نماید، آن را دلیل مستقیم گویند. مانند آنکه در دعوای طلب، مستند دعوا سندی رسمی و یا عادی بوده و در خصوص آن موضوع صریح باشد، در این صورت نتیجه حاصل از آن مطابقی بوده و نیازی به استنتاج عقلی ندارد. ولی تهیه اینگونه ادله نسبت به بعضی امور برای مدعی میسر نبوده و حتی در بعضی موارد غیرممکن می‌باشد (ر.ک. بندهای ۲، ۳ و ۵ ماده ۱۳۱۲ ق.م). قانونگذار حق اینگونه مدعیان را نادیده نگرفته و به آنان اجازه می‌دهد که به طور غیرمستقیم بتوانند ادعای خود را اثبات نمایند. در این موارد می‌توان با اثبات قرائن و اوضاع و احوالی که ملازمه به امر مورد ادعا داشته و یا با آن ارتباط

دارند، به طور غیرمستقیم موضوع دعوا را اثبات نمود. به عنوان مثال امارات قانونی و قضایی از ادله غیرمستقیم محسوب می‌شوند که به موجب آنها، با اثبات اوضاع و احوال و قرائنی که ملازمه با موضوع دعوا دارد، می‌توان به طور غیرمستقیم ادعا را اثبات نمود.

۲۲- علی‌رغم آنکه در غیرمستقیم بودن امارات اختلافی وجود ندارد، لیکن در مورد بعضی ادله مانند اقرار و سوگند، نسبت به مستقیم یا غیرمستقیم بودن آنها تردید و اختلاف شده است. اگر چه اکثر حقوقدانان اقرار و سوگند را مستقیم می‌دانند، اما عده‌ای از حقوقدانان بیان می‌دارند که دلایل مذکور تنها موجب معاف شدن مقرّله و یا طرف سوگند از اثبات می‌باشد و هیچ کدام دلالت مستقیم بر امر مورد ادعا ندارند. ایشان اضافه می‌کنند، دو مفهوم معاف کردن از اثبات و اثبات مستقیم را نباید یکی دانست. شاید این گروه حقوقدانان بدان علت اقرار و سوگند را از ادله غیرمستقیم بیان داشته‌اند که آنها اقرار و سوگند را هم در امور حقوقی و هم در امور کیفری مطمح نظر قرار داده‌اند (ر.ک. شماره ۷۵). لیکن به نظر می‌رسد در حقوق ایران و در امور حقوقی، اقرار و سوگند در زمره دلایل مستقیم قرار گیرند.

این درست که «معاف کردن از اثبات» و «اثبات مستقیم» را نباید خلط نمود، اما به هر حال معاف کردن از اثبات و اثبات «غیرمستقیم» را نیز نباید خلط نمود. چرا که معیار و ملاک تعیین مستقیم و یا غیر مستقیم بودن دلیل، «نیاز یا عدم نیاز به استنتاج محسوس» برای رسیدن به نتیجه‌ای خاص می‌باشد. چنانچه رسیدن به نتیجه‌ای خاص از طریق ادله، نیاز به استنتاج عقلی محسوس داشته باشد، آن را دلیل غیرمستقیم، و هرگاه نتیجه مورد نظر چنان وابسته به دلیل استنادی باشد که نیازی به استنتاج از آن نباشد، آن را دلیل مستقیم گویند. بنابراین با توجه به این معیار، به نظر می‌رسد در امور حقوقی اقرار و سوگند که نتایج آنها نیازی به استنتاج ندارد، از ادله مستقیم محسوب شوند. «دلایل مستقیم آن است که فوری باعث اعتقاد به صحت یا سقم ادعا در ذهن قاضی می‌شود، ولی دلایل غیر مستقیم با واسطه استدلال (و غیر فوری) این اعتقاد را در قاضی به وجود می‌آورد». در موارد اقرار، سند و یا سوگند در امور حقوقی، طریقه استدلال و فهم از معلوم به مجهول به قدری سریع است که توجه به آن نمی‌شود، لذا آنها را دلیل مستقیم نامند. در حالی که در اماره استدلال و استنتاج طوری صورت می‌گیرد که محسوس و مشهود است و آنها را دلیل غیرمستقیم نامند.

بند هفتم: سایر تقسیمات

۲۳- تقسیم ادله به دلیل تمهید شده و دلیل عارضی، دلیل مطلق و دلیل نسبی، دلیل تحقیقی و غیرتحقیقی، دلیل قابل رجوع و دلیل غیر قابل رجوع و... تقسیمات دیگری از ادله است که به دلیل عدم ارتباط با موضوع کتاب، تنها به ذکر عنوان این اقسام اکتفا می‌گردد.

گفتار دوم: اقسام دلیل در حقوق انگلیس و مصر

بند اول: تقسیمات ادله در حقوق انگلیس

۲۴- در حقوق انگلستان سه نوع دلیل کلی به رسمیت شناخته شده است که عبارتند از دلیل شفاهی، دلیل کتبی و دلیل عینی. دلیل شفاهی دلیلی است که توسط شهود، معمولاً با قید سوگند یا با قول شرف اقامه میشود. شهود میتوانند در مورد مسموعات خود نیز عیناً مانند آنچه که دیده‌اند شهادت دهند که از آن تعبیر به دلیل افواهی میشود که میتوان آنها را با شهادت شهود و تحقیق محلی در حقوق ایران مقایسه نمود. دلیل کتبی همانطور که از نام آن پیداست، دلیلی است که در اسناد مکتوب و مندرج میباشد. دلیل عینی نیز از طریق معاینه دادگاه یا هیأت منصفه از اشیاء ملموس تحصیل میشود که می‌توان آن را با معاینه محل در حقوق ایران مشابه دانست. در کنار این تقسیم‌بندی کلی، تقسیمات دیگری نیز وجود دارد که از آن جمله میتوان از تقسیم ادله به ادله آتی و ادله ناظر به گذشته نام برد. همچنین در حقوق انگلیس شهادت بر دو نوع شاهد عادی (غیر متخصص) و شاهد کارشناس می‌باشد و لذا کارشناسی نیز در زمره شهادت قرار دارد.

بند دوم: تقسیمات ادله در حقوق مصر

۲۵- حقوقدانان مصر ادله اثبات دعوا را از پنج جهت تقسیم‌بندی نموده‌اند که مختصراً به ذکر عناوین تقسیمات مذکور اکتفا میکنیم. ۱- ادله مستقیم و غیرمستقیم (طرق مباشره و طرق غیرمباشره). ۲- ادله فراهم شده از قبل یا بعد از نزاع (طرق مهیأه و غیرمهیأه). ۳- ادله تحمیلی و ادله غیر تحمیلی (طرق ملزومه و طرق غیر ملزومه). ۴- ادله اصلی و تکمیلی (طرق اصلی و طرق التکمیلیه). ۵- ادله با قدرت اثباتی مطلق و محدود (طرق ذات قوه مطلقه و طرق ذات قوه محدوده).

مبحث سوم: ادله اثبات دعوا و ادله اثبات احکام

۲۶- دلایل اثبات حق بر دو قسم است؛ ادله اثبات دعوا و ادله اثبات احکام. ادله اثبات دعوا برای اثبات جنبه موضوعی و ادله اثبات احکام برای اثبات جنبه حکمی دعاوی به کار می‌روند. نکته آنکه دادگاه در راستای بررسی دعاوی، اقدام به دو نوع رسیدگی می‌نماید؛ یکی رسیدگی موضوعی (ماوقع یا اتفاقات ادعا شده در پرونده)، که در این مرحله دادگاه به بررسی وجود یا عدم وجود روابط حقوقی، الزامات، تحقق یا عدم تحقق افعال و وقایع حقوقی پرداخته، و دیگری رسیدگی حکمی است که در این مرحله به بررسی وجود یا عدم وجود قانون و یا مفاد و مدلول و تفسیر قانون، رویه‌های قضایی و فتاوی فقها می‌پردازد. برای مثال در دعوی خلع ید از ملک، اثبات مالکیت خواهان و تصرف غیر قانونی یا غصب ملک توسط خوانده در حیطة امور موضوعی و اثبات و یافتن ماده قانونی‌ای که غاصب را ملزم به خلع ید می‌نماید در حیطة امور حکمی قرار می‌گیرد.

اثر مهم تفکیک ادله اثبات دعوا از ادله اثبات احکام (امور موضوعی از امور حکمی) در بار اثبات نمایان می‌گردد؛ با این توضیح که در قوانین اکثر کشورها اثبات امور موضوعی بر عهده اصحاب دعوا (مدعی امر موضوعی) قرار داده شده است، در حالیکه اثبات امور حکمی علی‌الاصول به عهده قاضی رسیدگی‌کننده به پرونده بوده و چنین فرض می‌شود که قاضی آگاه به قوانین و احکام می‌باشد.

۲۷- از جمله ادله اثبات دعوا می‌توان از اقرار، سند، شهادت، امارات، کارشناسی، معاینه محل، تحقیق محلی و سوگند یاد نمود.

موضوع ادله اثبات دعوا اصولاً امور موضوعی، یعنی واقعیات و رخدادهای بیرونی و وقایع و اعمال حقوقی می‌باشد. البته صرف نظر از اینکه عرف خاص، قانون خارجی و عرف و عادت مسلم ایرانیان غیر شیعه را از مسائل حکمی بدانیم یا موضوعی، اثبات این امور نیز از طریق ادله اثبات دعوا و بر عهده استنادکننده به آنها (مدعی) می‌باشد.

۲۸- از جمله ادله اثبات احکام نیز می‌توان به مواد و نصوص قوانین، آیین‌نامه‌ها، تصویب‌نامه‌های دولتی، کنوانسیون‌ها و عهدنامه‌ها و مقاله‌نامه‌های بین‌المللی و همچنین آراء وحدت رویه، فتاوی معتبر فقها، روح قانون و اصول کلی حقوقی اشاره نمود که اثبات آنها به عهده قاضی می‌باشد.

اکنون با شناخت تمایز این دو دسته ادله، باید یادآور شد که در این کتاب صرفاً «ادله اثبات دعوا» و ترتیب و تقدم بین آنها مورد بررسی قرار خواهد گرفت و بحث در خصوص

ارزش هر یک از «ادله اثبات احکام» و ترتیب و تقدم آنها از حوصله این کتاب خارج می‌باشد. لازم به ذکر است که هرگاه در این کتاب، دلیل یا ادله به طور مطلق استعمال شود، منظور «ادله اثبات دعوا» می‌باشد.

مبحث چهارم: حصر یا عدم حصر ادله اثبات دعوا

گفتار اول: نظر فقها

۲۹- در فقه همواره بین فقها در خصوص اینکه آیا شارع ادله اثبات دعوا را به قید حصر برشمرده است یا خیر، اختلاف نظر بوده است. عده‌ای از فقها به استناد حدیث «انما اقضی بینکم بالبینات و الایمان» قائل به انحصار ادله اثبات در بینه و یمین می‌باشند. البته در جواب این گروه بیان شده است که در قرآن و احادیث نبوی، بینه به معنای لغوی و عام خود، یعنی هر چیزی که بتواند مجهولی را ثابت کند به کار رفته است. بعلاوه مفهوم آیه «لا تقف ما لیس لک به علم» نظر این گروه را تأیید نمی‌کند. از همه مهمتر آنکه حدیث مذکور حتی اقرار که هیچکس در دلیل بودن آن اختلافی ندارد را مطرح ننموده است که این امر خود نشانه‌ای در مقام بیان انحصار نبودن حدیث مذکور می‌باشد.

گروهی دیگر عقیده دارند که در شرع مقدس نصی بر حصر ادله اثبات دعوا وارد نشده است، بلکه شارع مقدس صرفاً برخی ادله مانند بینه، اقرار و یمین را مطرح نموده و آنگاه با ارائه کلیاتی از قبیل «لا تقف ما لیس لک به علم» به طور عام، هر قطع و یقینی را حجت دانسته و دست قضات را باز نهاده است و در همین راستا، ادله‌ای همچون علم قاضی، اماره قضایی و ظاهر را حجت دانسته‌اند.

گفتار دوم: نظر حقوقدانان

۳۰- بین علمای حقوق نیز در این خصوص اختلاف نظر وجود دارد و نظرات حقوقدانان را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود. دسته اول حقوقدانانی هستند که قائل به عدم حصر ادله بوده و به استناد آیه «لا تقف ما لیس لک به علم» بیان می‌دارند: «هر دلیل اثبات دعوی که در طول زمان پدید می‌آید، خود به خود زیر چتر آیه مذکور قرار می‌گیرد و شارع پیروان خود را گرفتار حصر ادله اثبات دعوا ننموده است».

دسته دوم حقوقدانانی هستند که قائل به انحصاری بودن ادله بوده و بیان می‌دارند امری که به عنوان دلیل ارائه می‌شود، باید مشمول تعریف یکی از ادله اثبات دعوا که در قانون آمده قرار گیرد و صریحاً به همین دلیل ضبط صوت و فیلم را قابل استناد نمی‌دانند.

دسته سوم حقوقدانانی هستند که علی‌رغم آنکه قائل به انحصاری بودن ادله می‌باشند، اما برای اماره قضایی اهمیت فراوانی قائل بوده و بیان می‌دارند: «همه دلایل جدید، از جمله ضبط صوت، فکس، تصاویر تلویزیونی و... در درون ماهیت اماره قضایی قابل پذیرش می‌باشند». لذا مطابق این نظر همه دلایل جدید را می‌توان در قالب اماره قضایی مورد استناد قرار داد. به نظر می‌رسد نظر سوم خالی از وجه نباشد. چرا که نظریه مشورتی مورخ ۱۳۴۴/۷/۱۷ که ضبط صوت را به عنوان دلیل قابل استناد نمی‌دانست، با توجه به پیشرفت‌های علمی در آن زمان ارائه شده بود و در نظریه مذکور صریحاً بیان شده «... با وضع حاضر نمی‌توان به عنوان دلیل در اثبات دعوا مورد استناد قرار داد»؛ لیکن به نظر می‌رسد امروزه با توجه به امکانات موجود و نظرات کارشناسان متخصص، امکان تشخیص اصالت یا جعلی بودن صداهای ضبط شده و دیگر مدارک جدید وجود داشته و محروم کردن اصحاب دعوا از استناد به چنین ادله‌ای چندان با هدف دادرسی سازگار نمی‌باشد. بعلاوه ماده ۱۹۴ ق.آ.د.م بیان می‌دارد: «دلیل عبارت از امری است که اصحاب دعوا برای اثبات یا دفاع از دعوا به آن استناد می‌نمایند». در این ماده به طور مطلق هر امری که قابلیت اثبات چیزی را داشته باشد، دلیل و قابل استناد شناخته شده است. بنابراین، علی‌رغم پذیرش نظریه‌ای که الزاماً شمول ادله استنادی تحت عنوان یکی از ادله مذکور در قانون را نیاز می‌داند، باز هم ادله جدید را می‌توان در قالب وسیع اماره قضایی مورد پذیرش قرار داد. ممکن است به این نظر چنین ایراد شود که حتی در حقوق فرانسه علی‌رغم اصلاحات جدید، فکس و ضبط صوت را از امارات قضایی نمی‌دانند؛ لیکن در پاسخ باید بیان داشت با توجه به عدم منع قانونی در حقوق ایران و از طرفی واگذاری امارات قضایی به نظر قاضی و وسعت شمول اماره قضایی، ضبط صوت را می‌توان در قالب وسیع اماره قضایی مورد پذیرش قرار داد.

گفتار سوم: بررسی قابلیت استناد به علم قاضی

۳۱- اکنون که در خصوص انحصار یا عدم انحصار ادله بحث گردید، مناسب است تا در مورد «علم قاضی» که ارتباط فراوانی با این مساله دارد، به طور جداگانه بررسی شود. در قانون مدنی و قانون آیین دادرسی مدنی مبحث خاصی از ادله اثبات دعوا، به «علم قاضی» اختصاص نیافته است. حال سوال این است که آیا قاضی می‌تواند رأی خود را صرفاً به علم خود مستند نماید یا خیر؟

در خصوص حجیت علم قاضی بدو باید ذکر شود که علم قاضی بر دو نوع می‌باشد. دسته اول علمی است که در اثر مطالعه پرونده و اوضاع و احوال و قرائن موجود در پرونده حاصل

شده باشد؛ مانند علمی که در نتیجه اقرار، ملاحظه نظر کارشناسی و یا نتایج تحقیق محلی حاصل شده است. این علم را علم نوعی می‌گویند. دسته دیگر علمی است که قاضی از خارج پرونده به دست می‌آورد؛ مانند آنکه در اثر معاشرت اتفاقی با اصحاب دعوا، شخصاً نظاره‌گر واقعه مورد ادعای آنان بوده باشد که آن را علم شخصی می‌گویند. در خصوص دسته اول یعنی علم حاصل از مطالعه پرونده (علم نوعی)، هیچ تردیدی در حجیت آن وجود ندارد، لیکن باید توجه داشت که در چنین مواردی مستند رأی دادگاه، «علم قاضی» فی‌الذات نیست، بلکه بر حسب مورد، اقرار، کارشناسی و یا تحقیق محلی است که مستند رأی دادگاه قرار می‌گیرد. لذا محل بحث علم خارج از پرونده است که در خصوص حجیت آن در فقه اختلاف نظر وجود دارد. حنفیه قائل بر آنند که در حق‌الله نمی‌توان بر اساس علم قاضی عمل نمود، لیکن در حق‌الناس علم قاضی حجت است. «در مذهب مالکی قاضی بر طبق علم خود در خصوص جرح و تعدیل شهود عمل می‌نماید و به اتفاق بر آن تکیه می‌کنند. اما غیر این موارد محل اختلاف است و از نظر علمی چنین است که بر علم وی اعتماد نمی‌شود». در مذهب حنابله نیز قاضی تنها در خصوص جرح و تعدیل می‌تواند به علم خود عمل کند. قول مشهور فقهای امامیه علم قاضی را مطلقاً حجت می‌داند.

۳۲- بین حقوقدانان نیز در خصوص قابلیت استناد به علم قاضی اختلاف نظر وجود دارد. بعضی حقوقدانان علم قاضی را مطلقاً حجت می‌دانند. عده‌ای دیگر با استناد به مواد ۱۰۵ و ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ (معادل آن را می‌توان از مفاد ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ استنباط نمود)، علم قاضی را اصولاً در امور کیفری قابل استناد دانسته و در امور حقوقی نیز منوط به چهار شرط ذیل، علم قاضی را حجت می‌دانند.

الف: لزوم متعارف بودن طریق تحصیل علم (ماده ۱۲۰ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰- تبصره ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) که از این قبیل طرق متعارف می‌توان از اماره قضایی، کارشناسی و معاینه محل نام برد. لذا علمی که از طریق خواب دیدن، رَمَل و یا مشاهده خارج از پرونده حاصل شود، حجت نمی‌باشد.

ب: لزوم ذکر منشاء و مستند علم در رأی (ماده ۱۰۵ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰- ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

ج: لزوم وجود مستند و منشاء علم در پرونده به لحاظ امکان بازبینی آن در مراجع بالاتر.

د: لزوم رعایت اصل تناظر در خصوص علم قاضی.

گروه سوم از حقوقدانان نیز علم حاصل از خارج پرونده را به هیچ وجه قابل استناد

نمی‌دانند. به نظر می‌رسد نظر اخیر موجه‌تر باشد. زیرا با توجه به شرایط چهارگانه مذکور در فوق، مشخص می‌شود که قائلین به نظر دوم از حوزه بحث خارج شده‌اند. زیرا بحث در خصوص علم حاصله از خارج پرونده می‌باشد، والا در خصوص حجیت علم حاصل از طرق متعارف مانند علم حاصل از اماره قضایی و یا کارشناسی تردیدی وجود ندارد.

۳۳- بنابراین قاضی نمی‌تواند به استناد علم خود که دلایل و مستندات آن در پرونده وجود ندارد (علم شخصی)، رأی صادر کند. در فرض علم نوعی نیز که مستندات علم در پرونده موجود باشد، این مستندات در قالب سایر ادله مانند اماره قضایی، معاینه محل، کارشناسی و غیره قرار می‌گیرد و بحث از علم قاضی مصداق پیدا نمی‌کند. لذا علم قاضی نه به عنوان دلیلی همعرض سایر ادله اثبات دعوا، بلکه امری است که هر یک از ادله اثبات دعوا ممکن است در نهایت به آن منتهی شود. اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه‌ای مشورتی بیان داشته است: «با توجه به ماده ۱۰۵ ق.م.ا، علم قاضی فقط در موارد مشخص امور کیفری موثر است و در امور حقوقی (و سایر امور کیفری) تأثیری ندارد و دادگاه باید بر اساس ادله حکم دهد». با توجه به استدلال‌های فوق و بویژه ماده ۱۰۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰- ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) و نظریه مشورتی مذکور در فوق به نظر می‌رسد حتی در امور کیفری نیز اصولاً علم قاضی دلیل مستقلاً محسوب نشده و تنها در مواردی که تصریح به حجیت آن شده است، یعنی در موارد «زنا، لواط، مساحقه و سرقت مستوجب حد» می‌توان با اندکی تسامح آن را به عنوان دلیل مستقل به حساب آورد. اما در واقع در این موارد نیز نباید علم قاضی را به عنوان دلیلی مستقل تلقی نمود؛ زیرا این علم باید از طرق متعارف و موجود در پرونده، مانند اماره قضایی و... حاصل شده باشد.

۳۴- در مطالبی که گذشت، کلیاتی جزئی و مختصر از ادله اثبات دعوا که ما را در تنقیح بهتر مطالب اصلی کتاب یاری خواهد نمود، ارائه دادیم. به دلیل رعایت اختصار و دور نشدن از موضوع اصلی تعارض ادله، از بیان سایر مسائل مطروحه متداول در کلیات ادله اثبات دعوا از قبیل بار اثبات دلیل، نقش دادگاه در ارائه دلیل، نقش اصول عملیه در دادرسی، تشریفات ارائه ادله، قوانین حاکم بر ادله، دادرسی تفشیشی و دادرسی اتهامی و سایر مسائلی که کاملاً خارج از موضوع کتاب است، صرف نظر نموده تا از موضوع اصلی غافل نمایم.

فصل دوم: کلیات تعارض ادله

۳۵- در این فصل بر خلاف فصل پیشین به بیان کلیاتی اختصاصی از تعارض ادله اثبات دعوا خواهیم پرداخت، به طوری که می‌توان ادعا نمود این فصل، مهمترین مطالب و مبانی این کتاب را در خود جای داده است.

در این فصل ابتدا در مبحث اول به ارائه تعاریف و سپس در مبحث دوم به بیان شرایط تحقق تعارض خواهیم پرداخت. در مبحث سوم نیز اقسام تعارض را مورد بررسی قرار داده و در مبحث چهارم به ارائه فرضیات و راه‌حل‌های عملی برای حل تعارض ادله و تعیین دلیل مقدم خواهیم پرداخت. مجدداً تأکید می‌شود که این فصل از اهمیت فراوانی برخوردار است.

مبحث اول: تعاریف

گفتار اول: تعارض، ترتیب، تراحم

بند اول: تعارض

۳۶- «تعارض^۱ در لغت به معنای خلاف یکدیگر آمدن خبر و جز آن و معارضه کردن یکی با دیگری آمده است».^۲ در علم منطق، تعارض مترادف تناقض بوده و آن عبارت است از اختلاف بین دو قضیه، به نحوی که از صدق یکی لذاته کذب دیگری لازم آید.^۳ در اصول فقه نیز تعارض را چنین تعریف نموده‌اند: «التعارض هو تنافی مدلولی الدلیلین علی وجه التناقض او تضاد».^۴ البته در علم اصول، غالباً در خصوص تعارض احکام بحث شده است و در خصوص تعارض ادله اثبات دعوا کمتر بررسی و تحقیق به عمل آمده است.

در اصطلاح حقوق نیز تعارض در ترکیبات متفاوتی از قبیل تعارض قوانین، تعارض دو حکم، تعارض ادله، تعارض اسناد مالکیت (اسناد مالکیت معارض)، تعارض دعوی، تعارض عام و خاص و ... به کار رفته است که در اکثر موارد مذکور، تعارض به «دلالیت» مربوط می‌باشد. البته در تعارض قوانین که موضوع حقوق بین الملل خصوصی می‌باشد، دلالت نقشی ندارد؛ «زیرا تعارض در حقوق بین الملل خصوصی از جهت اجرای دو قانون داخلی یا خارجی در خصوص مورد است،

1- Contradiction; Conflict

۲- دهخدا، علی اکبر، منبع پیشین، ج چهارم، ص ۵۹۴۸

۳- خوانساری، دکتر محمد، دوره مختصر منطق صوری، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ یازدهم، تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۲۵

۴- (تعارض عبارت است از منافات بین مدلول دو دلیل به صورت تناقض یا تضاد). انصاری، شیخ مرتضی، فرائد الاصول، موسسه الاعلمی

للمطبوعات، بیروت، ۱۹۹۱ (۱۴۱۱ قمری)، ص ۴۲۹

نه از جهت تمانع و ناسازگاری مدلول دو قانون»^۱.

بند دوم: ترتیب

۳۷- ترتیب در لغت به معنای سامان دادن، نظم دادن، هر چیزی را سر جای خود قرار دادن و پشت سر هم قرار دادن آمده است.^۲ در این کتاب نیز «ترتیب» از معنای لغوی خود چندان دور نبوده و مقصود از «ترتیب ادله اثبات دعوا»، آن است که بین ادله مذکور در قانون، از نظر ارزش و قدرت اثباتی قائل به تقدم و تأخر بوده تا در موارد تعارض دو دلیل با یکدیگر، بتوان دلیل مقدم و مرجح را تعیین نمود.

بند سوم: تزامم

۳۸- هرگاه بین مدلول دو دلیل از ادله اربعه فقهی در مرحله تشریح و قانونگذاری، تدافع و تمانع وجود نداشته باشد، ولی در مرحله اجرا و امتثال در بعضی موارد اشکال پیش آید، به این معنی که اجرای هر دو با هم ممکن نباشد و اجرای یکی مانع از اجرای دیگری باشد، گویند بین دو دلیل مزاحمت وجود دارد و این وضع را تزامم دو دلیل گویند که در مقابل تعارض دو دلیل استفاده می‌شود.^۳ بنابراین ملاحظه می‌شود که اصطلاح تزامم ادله که در فقه متداول است، در خصوص ادله اربعه (کتاب، سنت، عقل و اجماع)^۴ و به عبارتی ادله اثبات احکام به کار می‌رود و در خصوص ادله اثبات دعوا کارایی ندارد. لذا در این کتاب بحث از تزامم ادله جایگاهی نخواهد داشت؛^۵ زیرا «تزامم ادله» تنها در خصوص ادله اثبات احکام به کار می‌رود، در حالیکه «تعارض ادله» هم در ادله اثبات احکام و هم در ادله اثبات دعوا مصداق دارد.

۱- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، فرهنگ عناصر شناسی، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۱۹۵

۲- معین، دکتر محمد، منبع پیشین، ج اول، ص ۱۰۶۴

۳- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، منبع پیشین، ص ۱۵۰، ش ۱۲۱۰ و محقق داماد، دکتر سید مصطفی، مباحثی از اصول فقه، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ سوم، زمستان ۱۳۸۳، جلد سوم، ص ۱۳۱

4- Religious source of law; four proofs ie: quran, tradition, reason and consensus

۵- برای مطالعه بیشتر در خصوص تزامم ادله و مرجحات باب تزامم، ر.ک. علامه مظفر، اصول فقه، ترجمه غرویان، محسن و شیروانی، دکتر علی، انتشارات دارالفکر، قم، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۴، ص ۲۱۲ الی ۲۱۹ و محقق داماد، دکتر سید مصطفی، منبع پیشین، ج ۳،

ص ۱۳۱ الی ۱۳۶

گفتار دوم: ارزش اثباتی، قدرت اثباتی

بند اول: ارزش اثباتی

۳۹- در این کتاب به کرات اصطلاحات «ارزش اثباتی» و «قدرت اثباتی» مورد استفاده قرار گرفته است. این دو اصطلاح را می‌توان در مجموع تحت عنوان «ارزش اثباتی در معنای عام» مورد مطالعه قرار داد. با تدقیق در قوانین مشخص می‌شود که ارزش اثباتی (در معنای خاص) متفاوت از مفهوم قدرت اثباتی می‌باشد.

ارزش اثباتی در معنای خاص^۱ به معنای میزان تأثیر قانونی یا اقماعی ادله در ایجاد اطمینان برای قاضی مبنی بر صحت ادعای کسی است که به آن استناد می‌نماید. برای مثال میزان اطمینان یا اقماع حاصله از اقرار یا سند رسمی یا معاینه محل یکسان نبوده و هر کدام ارزش اثباتی متفاوتی از این حیث دارند. در این مفهوم ارزش اثباتی بعضی ادله به گونه‌ای تحمیلی در قانون معین شده است (ادله قانونی) و ارزش بعضی ادله دیگر به ارزیابی و اقماع قاضی واگذار شده است (ادله اقماعی). در این کتاب هر جا اصطلاح ارزش اثباتی به طور مطلق استفاده گردد مقصود ارزش اثباتی در معنای خاص می‌باشد.

بند دوم: قدرت اثباتی

۴۰- قدرت اثباتی^۲ یا توان اثباتی یعنی آنکه مشخص نماییم هر یک از دلایل نه‌گانه، توانایی اثبات چه اموری را دارا می‌باشند. به عبارتی دیگر دامنه موضوعات قابل اثبات با هر دلیل را قدرت اثباتی آن دلیل نامند. برای مثال در معاملات مشمول مواد ۴۶ و ۴۷ قانون ثبت، صرفاً سند رسمی دارای قدرت اثباتی کامل بوده و مطابق ماده ۴۸ همان قانون سایر ادله در این خصوص فاقد قدرت اثباتی می‌باشند. مثال دیگر آنکه «شهادت بعلاوه سوگند» صرفاً در دعوی مالی واجد قدرت اثباتی می‌باشند (ماده ۲۷۷ و بند ب ماده ۲۳۰ ق.آ.د.م). همچنین قبل از اصلاح ماده ۱۳۰۶ ق.م، قدرت اثباتی شهادت و به تبع آن به استناد مواد ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ ق.م، قدرت اثباتی اماره قضایی و سوگند بسیار محدود بوده که پس از حذف ماده ۱۳۰۶ در سال ۱۳۶۱، قدرت اثباتی شهادت، اماره قضایی و سوگند تا حدود بسیار زیادی افزایش یافته است.

لذا علی‌رغم آنکه عرف قضایی فعلی ایران، مفهوم قدرت اثباتی ادله را با مفهوم ارزش اثباتی یکی دانسته و تفکیکی علمی بین آن دو قائل نشده، لیکن دو مفهوم «قدرت اثباتی» و «ارزش اثباتی» را نباید با یکدیگر خلط نمود. در واقع به دلیل همین بیگانگی اندیشه‌های

1- Probative value

2- Probative force

حقوقی با تفاوت این دو مفهوم است که کاوش ذهن را وادار به قرار دادن آن دو مفهوم در ذیل اصطلاح «ارزش اثباتی در معنای عام» نموده است. والا این دو مفهوم آنچنان متفاوت هستند که نیازی نیست در ضمن یک مفهوم عام قرار داده شوند.

تفکیک بین قدرت اثباتی و ارزش اثباتی واجد نتایج عملی فراوان می‌باشد. به عنوان مثال ماده ۲۴۱ ق.آ.د.م که «ارزش اثباتی» گواهی را با دادگاه می‌داند، شامل «قدرت اثباتی» گواهی نبوده و لذا قاضی اختیاری در تعیین میزان قدرت اثباتی گواهی (یعنی امور قابل اثبات با گواهی) ندارد. بنابراین قاضی نمی‌تواند به استناد ماده ۲۴۱ ق.آ.د.م برای اثبات مالکیت املاک، بر خلاف ماده ۲۲ قانون ثبت، شهادت را دارای قدرت اثباتی بداند. منظور ماده ۲۴۱ ق.آ.د.م آن است که در اموری که گواهی قانوناً دارای قدرت اثباتی است، قاضی بر اساس ماده ۲۴۱ ق.آ.د.م اختیار تعیین ارزش اثباتی گواهی را (بویژه در مقام تعارض با سایر ادله اقماعی) در هر مورد خاص دارا می‌باشد.

از دیگر نتایج عملی تفکیک مذکور آنکه واجد «قدرت اثباتی» بودن دلایل دو طرف، یکی از شرایط تحقق تعارض می‌باشد (ر.ک. شماره ۴۹)، درحالی که پس از تحقق تعارض جامع‌الشرایط، این «ارزش اثباتی» ادله متعارض است که تقدم هر یک بر دیگری را مشخص می‌نماید. همچنین از دیگر نتایج عملی این تفکیک می‌توان از تأثیر تعدد ادله در افزایش «ارزش اثباتی» دلایل اقماعی نام برد، در حالی که تعدد ادله هیچگاه نمی‌تواند «قدرت اثباتی» دلایل را افزایش دهد (ر.ک شماره ۶۴).

گفتار سوم: دلایل قانونی و دلایل اقماعی

بند اول: دلایل قانونی

۴۱- برای نظم‌بخشی قواعد تعارض ادله اثبات دعوا، در این کتاب ادله اثبات دعوا به دلایل قانونی و دلایل اقماعی تقسیم شده است.^۱

دلایل قانونی دلایلی هستند که نه تنها «قدرت اثباتی» و «ارزش اثباتی» آنها در قانون

۱- ممکن است ایراد شود که چرا مؤلف کتاب، به جای تقسیم‌بندی ادله به دلایل قانونی و اقماعی از عنوان «دلایل واجد جنبه موضوعیت» و «دلایل واجد جنبه طریقت» که بین حقوقدانان متداول‌تر می‌باشد، استفاده نموده است؟ در پاسخ باید اظهار داشت این صحیح است که دلایل قانونی علی‌الاصول همان دلایلی هستند که در عرف و لسان حقوقدانان واجد جنبه موضوعیت بوده و دلایل اقماعی همان دلایلی هستند که واجد جنبه طریقت می‌باشند. اما تفاوت این تقسیم‌بندی‌ها در مورد «اماره قانونی» مشخص می‌شود. توضیح آنکه اماره قانونی در زمره دلایل قانونی قرار دارد، لیکن واجد جنبه موضوعیت نبوده و بلکه واجد جنبه طریقت می‌باشد. بنابراین مصادیق دلایل قانونی و دلایل واجد جنبه موضوعیت یکسان نمی‌باشد. به علت همین تفاوت است که در این کتاب از تقسیم‌بندی دلایل به قانونی و اقماعی که سازگار با اصول تعارض ادله می‌باشد، به جای تقسیم ادله به دلایل واجد موضوعیت و طریقت استفاده شده است.

معین شده است، بلکه قانونگذار در مواقع تعارض آنها با سایر ادله تکلیف امر را مشخص و دلیل مقدم را تعیین نموده است. به عبارتی دیگر در خصوص ادله قانونی علاوه بر آنکه امور قابل اثبات با آنها (قدرت اثباتی) توسط قانونگذار پیش بینی شده است، همچنین ارزش اثباتی و همچنین امکان یا عدم امکان اثبات خلاف آنها با سایر ادله نیز تعیین شده است. به طوری که به واسطه ارزش اثباتی فراوان اقرار و سوگند در اقناع قاضی در امور حقوقی، اثبات خلاف آنها قانوناً غیرممکن، و همچنین در تعارض اسناد با سایر ادله نیز، به حکم ماده ۱۳۰۱ ق.م. و مستنبط از ماده ۱۳۰۹ همان قانون، اصولاً اسناد بر سایر ادله متعارض مقدم می‌باشد.^۱ قانونگذار همچنین امکان اثبات خلاف اماره قانونی را به واسطه ضعیف دانستن تاثیر آن در اقناع قاضی، با هر دلیلی ممکن می‌داند. لذا ملاحظه می‌شود که در خصوص چهار دلیل مذکور (اقرار، سند، سوگند و اماره قانونی) که می‌توان آنها را ادله قانونی نامید، امکان یا عدم امکان اثبات خلاف آنها، توسط قانونگذار تعیین شده است تا از این طریق امنیت و ثبات حقوق افراد تضمین شود. امکان پیش بینی این امر توسط قانونگذار به دلیل ارزش اثباتی نوعی بسیار بالا و یا بسیار ضعیف دلایل مذکور در اقناع قاضی می‌باشد.

بند دوم: دلایل اقناعی

۴۲- در مقابل دلایل قانونی، «دلایل اقناعی» قرار دارد. دلایل اقناعی نیز همانند دلایل قانونی در قانون احصاء و قدرت اثباتی آنها توسط قانونگذار تعیین گردیده است. لیکن ارزش اثباتی آنها و همچنین امکان یا عدم امکان اثبات خلاف آنها با سایر ادله در قانون تعیین نشده است. ارزش اثباتی بعضی دلایل نه آنچنان قوی و نه آنچنان ضعیف است که بتوان آن را بر دادرس تحمیل نمود، بلکه ارزش اثباتی این ادله در اقناع قاضی، در حدی متوسط قرار دارد و لذا قانونگذار، ارزیابی ارزش اثباتی آنها را، به ویژه در هنگام تعارض با سایر ادله، در اختیار قاضی قرار داده تا از یک طرف بر آزادی مورد نیاز قاضی که لازمه ضروری احقاق حق است صحه گذاشته و از طرفی دیگر قاضی را در بند ادله تحمیلی و خشکی که ممکن است با عدالت ناسازگار باشد، قرار ندهد. در این راستا قانونگذار «ادله اقناعی» را پیش بینی نموده است و از آنجا که این دلایل در حیطه ارزیابی قاضی قرار دارند، اصولاً امکان اثبات خلاف آنها با هر دلیلی (غیر از اماره قانونی که به حکم قانون ضعیف‌ترین دلایل می‌باشد) ممکن است.

۱- باید توجه داشت که امکان تعارض سند با اقرار و همچنین تعارض سند با سوگند وجود ندارد (ر.ک همین کتاب. شماره‌های ۸۹ الی ۹۶ و شماره‌های ۱۸۵ الی ۱۶۰). والا در صورت وجود شرایط تعارض بین سند با اقرار و یا سند با سوگند، مطابق قاعده سند ارزش اثباتی کمتری داشته و کنار گذاشته می‌شد.

در حقوق ایران شهادت، کارشناسی، معاینه محل، تحقیق محلی و اماره قضایی در زمره ادله اقناعی قرار دارند.

اقناعی دانستن دلیل و قرار دادن آن در حیطه ارزیابی دادرس، بدان معنا نیست که قاضی می‌تواند بدون استدلال و بدون دلیل برخلاف آن عمل نماید؛ بلکه اقناعی بودن دلیل بدان معناست که قانونگذار ارزش اثباتی و مخصوصاً امکان و یا عدم امکان اثبات خلاف دلایل مذکور را تعیین ننموده است و لذا در هر مورد خاص، در صورت تعارض دو دلیل اقناعی، این قاضی است که ارزش اثباتی هر کدام در ایجاد قناعت وجدانی خویش را تعیین و نهایتاً یکی را بر دیگری مقدم می‌داند. اما چنانچه در مقابل یکی از ادله اقناعی جامع‌الشرایط، دلیل معارض و مخالف وجود نداشته باشد، قاضی مکلف است بر اساس همان دلیل مبادرت به صدور رای نموده و نادیده گرفتن آن احتیاج به استدلال از سوی قاضی دارد.

در مقایسه دلایل قانونی و اقناعی مختصر آنکه «دلایل قانونی» ادله‌ای هستند که در قانون احصا شده و قدرت اثباتی و همچنین ارزش اثباتی آنها و بعلاوه امکان یا عدم امکان اثبات خلاف آنها با سایر دلایل توسط قانونگذار معین شده است. لیکن «دلایل اقناعی» ادله‌ای هستند که مانند دلایل قانونی در قانون احصاء شده و قدرت اثباتی آنها توسط قانونگذار تعیین گردیده است، اما ارزیابی ارزش اثباتی آنها با قاضی بوده و همچنین قانونگذار نسبت به امکان یا عدم امکان اثبات خلاف آنها با سایر ادله اقناعی سکوت اختیار و تشخیص آن را به قاضی واگذار نموده است.

گفتار چهارم: ترتیب و تعارض ادله اثبات دعوا

بند اول: ترتیب ادله اثبات دعوا

۴۳- با توجه به تعاریف ارائه شده از «ادله اثبات دعوا» در مبحث اول (ر.ک شماره ۱۱) و همچنین تعریف «ترتیب» در شماره ۳۷، اکنون می‌توان به آسانی اصطلاح «ترتیب ادله اثبات دعوا» را قابل فهم دانست. منظور از ترتیب ادله اثبات دعوا آن است که بین دلایل نه‌گانه مذکور در قانون مدنی و قانون آیین دادرسی مدنی، براساس مفاد قوانین، ماهیت و میزان ارزش اثباتی هر کدام، قائل به تقدم و تأخر شده تا در مواقع تعارض بین آنها، تکلیف امر براساس قواعدی نظام‌مند از ادله، برای قضات و اصحاب دعوا مشخص باشد.

بند دوم: تعارض ادله اثبات دعوا

۴۴- با توجه به تعاریف ارائه شده از «تعارض» و «ادله اثبات دعوا» (ر.ک شماره ۳۶ و ۱۱)، می‌توان بیان داشت که «تعارض ادله اثبات دعوا» عبارت است از تقابل و تضاد دلایل استنادی دو طرف دعوا، به نحوی که عمل به هر دو دلیل و جمع آنها ممکن نباشد. برای مثال شخص الف علیه ب اقامه دعوا نموده و ادعا می‌کند دوچرخه‌ای که در تصرف خوانده (ب) قرار دارد، متعلق به وی می‌باشد. در این خصوص الف تنها یک شاهد مرد داشته و قصد ضمیمه نمودن سوگند بر شهادت را دارد. حال در تعارض اماره قانونی تصرف و شهادت بعلاوه سوگند کدامیک مقدم می‌باشد؟ در همان مثال مذکور تصور کنید که دلیل شخص الف تحقیق محلی باشد؛ در این صورت دلیل شخص الف (تحقیق محلی) مقدم است یا دلیل شخص ب (اماره قانونی)؟

مثال دیگر آنکه شخص الف به استناد سند عادی مدعی مالکیت قطعه زمینی است که سابقه ثبتی ندارد. شخص ب نیز به استناد اماره تصرف و شهادت شهود و همچنین تحقیقات محلی، مدعی مالکیت همان قطعه زمین می‌باشد. در این صورت ادله کدام یک اصحاب دعوا مقدم خواهد بود؟ ارائه سه دلیل از سوی شخص ب، در مقابل صرفاً یک دلیل تقدیمی از سوی شخص الف، آیا بر ارزش اثباتی دلایل ب خواهد افزود؟ (ر.ک. پاراگراف دوم شماره ۶۸). مثال سوم آنکه شخص الف با اقامه دعوا علیه ب مدعی است که شخص ب ملک وی را بوسیله ماشین کامیون متعلق به (ج) تخریب نموده و تقاضای صدور حکم به پرداخت خسارت دارد. سریعاً از طریق تأمین دلیل و با معاینه محل مشخص می‌شود که ملک مذکور تخریب شده و آثار تخریب به وسیله ماشین مذکور نیز در سپر و بدنه ماشین کامیون به وضوح مشخص است. شخص ب منکر رانندگی با ماشین متعلق به ج می‌شود و اظهار می‌کند که شاید خود ج اقدام به تخریب نموده باشد. از طریق تحقیقات محلی مشخص می‌شود که شخص ب غالباً ماشین ج را اجاره می‌کرده و از آن طریق امرار معاش می‌نموده است. شخص ب شهودی مبنی بر حضور وی در مشهد مقدس در تاریخ حادثه ارائه می‌نماید و متعاقباً شخص الف نیز شهودی مبنی حضور و رؤیت شخص ب در محل، نیم ساعت قبل از حادثه ارائه می‌کند. شخص ج نیز شهودی ارائه می‌نماید که در روز حادثه ماشین در اختیار ب بوده است. در این صورت به نظر شما دادگاه چه تصمیمی اتخاذ خواهد نمود؟ به نظر شما کدامیک از ادله مذکور با یکدیگر در تعارض قرار دارند؟ آیا شهود ج در تعارض با شهود الف یا ب می‌باشد؟ آیا تحقیقات محلی

مذکور در تعارض با شهود شخص ب می‌باشد؟ (ر.ک شماره ۴۸).

مثال چهارم آنکه شخص الف مدعی است که صندوق مقفولی که در تصرف شخص ب قرار دارد، متعلق به وی (الف) می‌باشد، لیکن دلیلی بر ادعای خود ندارد. قاضی از طرفین راجع به محتویات صندوق مقفول سوال می‌پرسد و شخص متصرف اظهار بی‌اطلاعی می‌کند. شخص غیرمتصرف (الف) محتویات صندوق را احصا می‌کند. پس از باز نمودن صندوق توسط کلیدساز، مشخص می‌شود که محتویات ادعایی شخص غیرمتصرف صحیح است. با توجه به آنکه صندوق در تصرف ب می‌باشد، قاضی چگونه رأی خواهد داد؟^۱

مبحث دوم: شرایط تحقق تعارض

۴۵- برای آنکه بین ادله اثبات دعوا تعارض حاصل شود، وجود شرایطی لازم می‌نماید که می‌توان آنها را در چهار عنوان ذیل خلاصه نمود. الف: وجود حداقل دو دلیل؛ ب: تنافی و تکذیب یکدیگر؛ ج: وحدت موضوع؛ د: حجیت هر دو ادله در موضوع دعوا (قدرت اثباتی هر دو دلیل) که در ذیل به توضیح آنها خواهیم پرداخت.

گفتار اول: وجود حداقل دو دلیل

۴۶- تعارض مصدر باب «تفاعل» است که اقتضای دو فاعل دارد و به صورت دو جانبه واقع می‌شود. لذا اولین شرط تحقق تعارض، وجود دو دلیل و یا دو دسته از ادله که مقدمات و شرایط حجیت و دلالت آنها کامل است، می‌باشد. ذکر دو دلیل، بیانگر حداقل ادله لازم برای تحقق تعارض ادله بوده و لذا ممکن است چند دلیل با یکدیگر در تعارض باشند و یا دو گروه از ادله در مقابل هم و متعارض با یکدیگر باشند (تعارض مرکب). این شرط در خصوص تعارض ادله اثبات احکام نیز صادق است.^۲

اهمیت این شرط مخصوصاً در جایی مشخص می‌شود که گاهی ممکن است در ظاهر امر دو دلیل وجود داشته باشد، لیکن به واسطه نبودن یکی از شرایط صحت دلیل مذکور، در واقع تنها یک دلیل جامع‌الشرایط و قابل استناد وجود داشته و لذا تعارضی متصور نمی‌باشد (برای مثال ر.ک. شماره‌های ۹۰، ۱۲۵ و ۲۱۸). به عنوان مثال ممکن است مستند یکی از اصحاب دعوا تحقیق محلی و دلیل طرف مقابل شهادت شهود باشد، لکن شهود تعرفه شده

۱- امامی، دکتر سید حسن، منبع پیشین، ج ۶، ص ۲۴۶

۲- محقق داماد، دکتر سید مصطفی، مباحثی از اصول فقه، منبع پیشین، جلد سوم، ص ۱۲۵؛ محمدی، دکتر ابوالحسن، مبانی استنباط

حقوق اسلامی، منبع پیشین، ص ۳۴۵